

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعیم سلیمی- امریکا
۱۵ جنوری ۲۰۱۹



استخاره جدید "مجددی" برای داکتر "اشرف غنی احمدزی"

داکتر اشرف غنی احمدزی بعد از این که مضمون طویلش را زیر نام " فصل نا تمامی در تاریخ افغانستان " که چند روز پیش در روزنامه هشت صبح نشر شده بود در دفتر کارش مرور می کرد و با آرامشی که از نگارش این مضمون برایش دست داده بود ؛ خود را وارث داعیه غازی امان الله خان فکر نموده به خواب عمیقی فرو رفت؛ جناب ایشان غازی امان الله را در خواب دید که بالایش قهر و غضب است؛ همچنان لحظه بعد شاه شجاع فرنگی نیز به خوابش آمد که به عکس خوشنود و سر حال به نظر می رسید.



فرصتی بعد زمانی که از خواب بیدار شده بود و یک کمی نا آرام به نظر می رسید؛ دستیارش را صدا زد تا جناب صیغت الله مجددی را فرا خواند ... ؛ اندکی نگذشته بود سرو کله مجددی در برابرش که با تمکین و ادب ایستاده بود؛ ظاهر شد؛ گفتا:

" سرور من چه خدمتی را برای شما کرده می توانم" او خوابش را برای او بازگو نموده و خواستار تعبیر آن شد تا با تردستی که شهره استخاره های حضرت شان هست، ان خواب را تعبیر کند ... ؛ حضرت صاحب لحظه ای درنگ نموده گفت:



"من در حالت مکاشفه دیدم که شاه شجاع از شما تشکری می کند؛ او می گوید که من برای انگلیس ها گفته بودم که افغانستان دیگر مأمون شده و من شاه این سرزمین هستم؛ دیگر بهتر است تا شما نیرو هایتان را از افغانستان بیرون کنید. خوب ؛ آنها حرف مرا قبول نکرده و گفتند که هنوز خطر امیر دوست محمد خان از برای تاج و تحت سلطنت شما رفع نگردیده است.... ؛ خودم را در بالاحصار محصور یافته و زار زار گریه می کردم که ای خدای بزرگ مرا ببخش؛ مثلی که معلوم می شود توبه و دعای من اجابت گردیده است و دیگر در صحرای محشر با آرامش خاطر گام می گذارم زیرا وقتی که شنیدم داکتر صاحب احمد زی معاهده ستراتیژیک را با امریکائی ها استقبال نمود و حتی خواستار ورود بیشتر عساکر آنها در افغانستان گردید که از اجداد فرنگی هستند ؛ سبب آرامش وجدان و خاطرم گردید"..... ؛ "اما غازی امان الله را دیدم که چنان بالای شما غضب بود و می گفت که استقلال افغانستان را به دست آوردم و انگلیس ها را از این کشور بیرون کردم ؛ ولی حال شاه جاع جدید امریکائی مشرب چگونه ادعای میراث مرا می کند ...؛ او به کدام حق و صلاحیت چنین حرف می زند..... ؛ نگو که آن قدر جگرخون بود که از شدت اعصاب خرابی بالایش حمله مهیب قلبی آمده و دوباره قبض روح گردید. "

وقتی که تفسیر استخاره حضرت صاحب هنوز به پایان نرسیده بود که غنی احمد زی سخنانش را قطع نموده و با عصبانیت همیشگی که خاصه سرشت خانوادگی شان است چنین گفت : "خو ؛ حضرت صاحب گپه کوتاه کنین ؛ تعبیر خواب چه است ؟"



حضرت گفت : "متأسفانه چندان تعبیر خوبی را برای شما ندارم ؛ خلاصه این که نمی دانم ؛ شاید بزودی ها باز شورش و بلوا از دند شمالی و سایر نقاط کشور آغاز گردد و به طرف کابل نزدیک شوند؛ بهتر آن است تا دیر نشده خود را جمع و جور نموده و رخت سفر بربندید و از همان جایی که آمده بودید ، دوباره به همان حای برگردید تا خدای نخواستہ در میان آتش این طوفان شمله دستار شما یکجا با جان عزیز تان نسوزد .

پایان